

بررسی رجالی و حدیثی اتحاد و تعدد ابن ابی عمیر (تحلیل، نقد، ارزیابی)

محمدصادق بخشی*

چکیده

همواره در اسناد احادیث، روایانی با اسامی مشترک یافت می‌شوند؛ این که کدام یک از این روایان مشترک دارای یک هویت هستند، نیازمند بررسی و گردآوری قرائن و شواهد رجالی، حدیثی و تاریخی است. محمد بن ابی‌عمیر یکی از روایانی است که نام او در کتاب‌های رجالی و حدیثی با عناوین و اوصاف متفاوتی ذکر شده است. از این‌رو، یکی از مباحث رجالی مورد اختلاف میان رجالیان، اتحاد و تعدد محمد بن ابی‌عمیر است. این موضوع عکس‌العمل‌های متفاوتی را در بین عالمان رجالی شیعه به دنبال داشته است. برخی معتقد به اتحاد ابن ابی‌عمیر و برخی دیگر به دلایل چند، معتقد به تعدد ابن ابی‌عمیر شده‌اند. در این سیاهه، از فرضیه تعدد ابن ابی‌عمیر دفاع شده است.

نگاشته پیش‌رو، به ذکر دیدگاه‌های موافقان و مخالفان اتحاد و تعدد ابن ابی‌عمیر و نیز بررسی دلایل و مستندات آن پرداخته و در پی اثبات اشتراک عنوان یاد شده به این که دو نفرند، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام و کاظم علیه السلام و در حیات امام کاظم علیه السلام وفات نموده است. و یا این که عنوان مذکور تصحیف شده ابن ابی‌عمر (عمره) و شخص مجهولی است. دیگری ابن ابی‌عمیر مشهور یکی از مشایخ ثقات و از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام شمرده شده و متوفای ۲۱۷ق است.

کلیدواژه‌ها: ابن ابی‌عمیر، اتحاد و تعدد، طبقه، تصحیف.

* پژوهشگر پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

ابن ابی عمیر معروف

نخستین فرد از ثقات سه‌گانه ابن ابی عمیر است. نخست با شخصیت علمی و رجالی او آشنا می‌شویم و مهم‌ترین اتهامات موجود پیرامون شخصیت رجالی وی را بررسی می‌کنیم.

ابو‌احمد محمد بن زیاد بن عیسی ازدی، مشهور به محمد بن ابی عمیر که در منابع رجالی و اسانید روایات با عناوینی چون ابن ابی عمیر و محمد بن ابی عمیر از او یاد شده است، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین راویان شیعه است.

به تصریح نجاشی و شیخ طوسی رحمتهما الله، پدر «محمد بن ابی عمیر» از موالی مهلب بن ابی صفره از طائفه «آزد» بوده است. برخی نیز او را از موالی بنی‌امیه قلمداد کرده‌اند (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷؛ الفهرست، ص ۲۶۵، رقم ۶۰۷). مهلب بن ابی صفره از کارگزاران عبدالملک بن مروان اموی بود که برای سرکوب مخالفان عبدالملک به منطقه کرمان اعزام شد و پس از آن، خلیفه او را به حاکمیت خراسان منصوب کرد. وی در سال ۸۲ هجری وفات نموده است (الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۷۵-۳۶۵).

شیخ طوسی با استفاده از سخن جاحظ در کتاب فخر قحطان علی عدنان - که با مهلب هم‌عصر بوده و در کتاب یادشده دلایل شرافت قحطانیان بر عدنانیان را بر شمرده است - چنین نتیجه‌گیری کرده که مهلب از طائفة قحطانیان ساکن یمن بوده است.

تاریخ ولادت و جزئیات زندگی محمد بن ابی عمیر اطلاعات و گزارش دقیقی درباره آن وجود ندارد، اما آن‌گونه که از شواهد و قرائن برمی‌آید، می‌توان گفت که تولد وی در نیمه دوم هجری بوده است؛ چرا که وی از اصحاب امام کاظم علیه السلام است و آن حضرت در سال ۱۸۳ ق به شهادت رسیده است. حال اگر سن بلوغ روایی را بیست سال بدانیم، ابن ابی عمیر باید حدود سال ۱۳۰ ق تا ۱۴۰ ق به دنیا آمده باشد. محل تولد وی بغداد است و در همان‌جا نیز سکونت داشته است. وفات وی به سال ۲۱۷ ق روی داده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷).

وی در بغداد به بزازی و فروشندگی پارچه سابری^۱ اشتغال داشته و از ثروتمندان عصر خود به شمار می‌رفته است. کثی به نقل از فضل بن شاذان - شاگرد ابن ابی عمیر - می‌نویسد:

ثروت او نزدیک به پانصد هزار درهم بوده است (اختیار معرفة الرجال، ص ۶۳۰، ش ۱۱۰۶).

اوضاع سیاسی عصر ابن ابی عمیر

حاکمان عباسی، همواره محمد بن ابی عمیر را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند؛ در زمان حاکمیت هارون الرشید و مأمون عباسی، تصدی دستگاه قضا در بغداد به او پیشنهاد شد و او از پذیرش آن امتناع ورزید و

۱. نوعی پارچه ظریف، ابریشمی، تُنک، باریک و گرانباه است که به دلیل تولیدش در سابور فارس به آن منطقه منسوب است و این نسبت به غیر قیاس است؛ لغت‌نامه دهخدا: ماده سابری.

به همین دلیل به دستور مأمون عباسی، به مدت چهار سال زندانی و تمامی اموالش ضبط شد؛ به گونه‌ای که هنگام آزادی از زندان، در نهایت تنگدستی بود (اختیار معرفة الرجال، ص ۶۳۰، ش ۱۱۰۵). از سخنان کثیف و نجاشی و دیگران درباره او، می‌توان دریافت که وی بارها به زندان افتاده است. رشید عباسی برای آگاهی از نام یاران امام کاظم علیه السلام و شیعیان آن حضرت در عراق، وی را حبس کرد و در زندان مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار داد؛ به گونه‌ای که در یکی از این شکنجه‌ها بیش از صد تازیانه به وی زده شد تا اسرار شیعه را فاش کند، اما وی به رغم همه آزار و اذیت‌های رشید عباسی استقامت کرد و هرگز اسرار شیعیان را فاش نساخت (اختیار معرفة الرجال، ص ۶۳۰، ش ۱۱۰۵).

نجاشی در این باره می‌نویسد:

به قدری تازیانه به او زدند که از شدت شکنجه نزدیک بود اقرار کند، تا این سخن را از محمد بن یونس بن عبدالرحمان شنید که به وی گفت: «محمد بن ابی عمیر، از خدا بترس و تقوا پیشه کن» و او صبر نمود و خداوند هم مشکل وی را برطرف کرد (همان).

از عبارت یادشده می‌توان دریافت که وی در زمان مأمون عباسی نیز زندانی شده است. مأمون به دلیل پایگاه قوی و گسترده امام رضا علیه السلام در جامعه اسلامی آن روز، روش دیگری را برای مبارزه با شیعیان در پیش گرفت، اما پس از شهادت امام رضا علیه السلام ابن ابی عمیر را به دلیل نپذیرفتن منصب قضاوت، زندانی کرد (همان). شیخ مفید می‌گوید: زندانی شدن وی هفده سال طول کشیده است (الاختصاص، ص ۸۶).^۱

شخصیت رجالی ابن ابی عمیر

محمد بن ابی عمیر از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی عصر خویش و مشهورترین دانشمند شیعی قرن دوم است. مقامش در وثوق، دانش، فضیلت، عبادت و تبحر علمی بسیار بالاست و نه تنها بزرگان شیعه او را ستوده‌اند، بلکه برخی از مخالفان نیز در برابر عظمت اندیشه و شخصیت علمی او سر تعظیم فرود آورده‌اند. نجاشی در یادکرد محمد بن ابی عمیر می‌نویسد:

وی شخصی جلیل‌القدر بوده و منزلت بزرگی نزد عامه و خاصه داشته است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷).

شیخ طوسی وی را با اعتمادترین افراد و از نظر ورع و عبادت، پرهیزگارترین و عابدترین افراد نزد دوست و دشمن دانسته است و به نقل از جاحظ می‌نویسد:

او از برجسته‌ترین اهل زمان خویش در همه امور بوده است (الفهرست، ص ۱۴۲، ش ۶۰۷؛ الاختصاص، ص ۸۶).

۱... کان ابن ابی عمیر حبس سبع عشر سنة.

جاحظ محمد بن ابی عمیر را یکی از عالمان و یگانه روزگار دانسته است.

طبقه‌ی رجالی ابن ابی عمیر

آیت‌الله بروجردی او را از راویان طبقه ششم برشمرده است (الفهرست، ص ۱۴۲، ش ۶۰۷؛ الاختصاص، ص ۸۶) این دسته، راویانی هستند که از غیر معمرین از طبقه پنجم نقل روایت می‌کنند. سال ولادت این گروه از راویان، در حدود سال‌های ۱۴۵ تا ۱۹۰ ق است و وفاتشان میان سال‌های ۲۲۰ تا ۲۳۰ ق اتفاق افتاده است (همان، ج ۱، ص ۱۱۱). وی با امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام هم‌عصر بوده است، اما این نکته که آیا وی امام صادق علیه السلام را درک کرده یا نه، مورد اختلاف است. البته در ادامه بحث، ضمن اثبات تعدد عنوان ابن ابی عمیر، به ذکر دلیل این اختلاف نیز خواهیم پرداخت.

نجاشی وی را از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام دانسته و وفات وی را به سال ۲۱۷ ق ذکر کرده است. به تصریح نجاشی وی امام کاظم علیه السلام را درک کرده و از آن حضرت احادیثی را شنیده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷). شیخ طوسی رحمته الله معتقد است که ابن ابی عمیر آن حضرت را درک کرده، اما از ایشان روایتی نقل نکرده است (الفهرست، ص ۱۴۲، ش ۶۰۷؛ الاختصاص، ص ۸۶). بررسی اسانید روایات مؤید سخن نجاشی است؛ زیرا شیخ صدوق تصریح دارد که وی از امام کاظم علیه السلام نقل روایت کرده است (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۲۴۰۶).^۱

استادان و شاگردان

ابن ابی عمیر از راویانی است که از اساتید بسیاری حدیث نقل کرده است. تعداد مشایخ روایت وی را ۴۱۵ نفر گفته‌اند (مشایخ الثقات، ص ۲۰۱-۱۲۵). آیت‌الله خوئی اساتید وی را ذیل عنوان ابن ابی عمیر، حدود ۳۸۰ نفر (معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۰۲-۱۰۶، ش ۱۴۹۹۷) و ذیل عنوان محمد بن ابی عمیر، نود نفر ذکر نموده است (همان، ج ۱۴، ص ۲۸۷-۲۸۸، ش ۱۰۰۱۸) و بدیهی است که برخی از آنان تکراری است.

وی از برخی مشایخ خود روایات زیادی استماع نموده است؛ برای مثال، وی تنها درکتب اربعه، از ابن اُذینه ۵۲ روایت، از ابوایوب خزاز ۸۵ روایت، از ابراهیم بن عبدالحمید اسدی ۶۵ حدیث، از حفص بن

۱. از آنجایی که در طریق شیخ صدوق به ابن ابی عمیر، ابراهیم بن هاشم واقع شده است و ابراهیم، به قرینه روایتش از عبدالله بن جندب (الکافی، ج ۲، ص ۵۰۸، ح ۶) حدوداً در سال ۱۹۰ ق به دنیا آمده است، و از آنجا که عبدالله پیش از سال ۲۱۰ ق وفات یافته است، با احتساب سن روایت ابراهیم بن هاشم، وی نمی‌تواند از کسی که در زمان امام کاظم علیه السلام وفات نموده است، نقل روایت کند.

بختری ۱۶۵ حدیث، از جمیل ۱۹۹ حدیث، از جمیل بن دزاج ۲۹۸ حدیث، از حماد ۹۷۵ روایت، از حماد بن عثمان ۲۲۱ حدیث، از عبدالرحمان بن حجاج بجلی ۱۳۵ حدیث، از عبدالله بن بکیر ۶۵ حدیث، از عمر بن اذنیة ۲۵۴ حدیث، از محمد بن ابی حمزه ۶۰ روایت، از معاویة بن عمار ۴۴۸ حدیث، از حفص بن بختری ۱۶۵ حدیث، از عبدالله بن بکیر ۶۵ حدیث، از هشام بن حکم ۱۰۷ حدیث و از هشام بن سالم ۲۲۵ حدیث گزارش کرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۰۵-۱۰۱، ش ۱۵۰۲۷).

شاگردان بسیاری نیز از وی نقل روایت کرده‌اند؛ افرادی چون ابراهیم بن هاشم قمی، علی بن مهزیار اهوازی، فضل بن شاذان، عبدالرحمان ابن ابی نجران، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، سهل بن زیاد، محمد بن خالد برقی، عبدالعظیم حسنی، عبدالله بن احمد نهیک نخعی و برادرش عبیدالله، عباس بن معروف، احمد بن صلت قمی، محمد بن حسین بن ابی الخطاب و... . آیت الله خوبی تعداد شاگردان وی را نزدیک به هشتاد تن برشمرده است (همان).

سجایای اخلاقی ابن ابی عمیر

ابن ابی عمیر به فضائل و سجایای اخلاقی و زینت تقوا و علم و عمل آراسته بود و مراتب اطاعت او از اهل بیت علیهم السلام و دفاعش از حریم ولایت، او را از پیشگامان جانبازی در حریم ولایت قرار داده است. وی از عابدترین و پارساترین افراد عصر خود بود (الفهرست، ص ۲۱۸، رقم ۶۱۷؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۶۲). عبادات و سجده‌های طولانی او هم داستان آموزنده‌ای دارد که فضل بن شاذان در این باره می‌گوید:

به عراق رفته بودم. در آنجا فردی را دیدم که دوست خود را به خاطر سجده‌های طولانی مورد انتقاد قرار داد و گفت: تو زن و فرزند نداری؟ باید تلاش مضاعف داشته باشی و این سجده‌های طولانی به صلاح تو نیست؛ چون چشم‌هایت صدمه می‌بیند و سبب نابینایی تومی‌شود و خانواده‌ات را به فقر و فلاکت دچار می‌کند.

او در پاسخ گفت: چرا مرا سرزنش می‌کنی؟ سجده‌های من که طولانی نیست. اگر سجده طولانی به کوری می‌انجامید، باید چشم‌های محمد بن ابی عمیر تاکنون نابینا شده بود؛ چون او پس از فریضه صبح سر به سجده می‌گذارد و هنگام نماز ظهر، سرش را از سجده بلند می‌کند (بهجة الآمال، ج ۶، ص ۲۲۸ - ۲۳۸).

آثار علمی و فرهنگی ابن ابی عمیر

محمد بن ابی عمیر در پرتو مکتب اهل بیت علیهم السلام به مقامات مهم علمی و معنوی رسیده است و از جمله فقیهان و متکلمان برجسته و بزرگ شیعه به شمار می‌آید که عموم دانشمندان شیعی، مقام علمی و فقهی او را ستوده و روایات وی را پذیرفته‌اند. کثی از قول استاد خود عیاشی می‌نویسد:

من از علی بن حسن بن فضال شنیدم که او می‌گفت: محمد بن ابی عمیر، فقیه‌تر از یونس بن عبد الرحمان و نسبت به او برتر و شایسته‌تر است (اختیار معرفة الرجال، ص ۶۲۸، ش ۱۱۰۰۳).
وی در علم نجوم و کلام نیز دست داشته است (سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۶۶). او از جمله مؤلفان بزرگ شیعه و دارای تصانیف بسیاری در موضوعات مختلف علوم اسلامی است که متأسفانه بیشتر آنها به مرور زمان از بین رفته و تنها در بعضی از کتب، نامی از آنها بر جای مانده است. گفته‌اند که کتاب‌های وی در منزل خواهرش نگهداری می‌شد، اما بر اثر بارش باران و نفوذ رطوبت، تمامی آنها از بین رفت. شاید دلیل این که کتاب‌های او در منزل خواهرش نگاهداری می‌شد، این باشد که در آن کتاب‌ها نام بسیاری از راویان بزرگ شیعه در اسناد روایات ذکر شده بود و همواره خطر افشای این نام‌ها وجود داشت. نجاشی در این باره می‌نویسد:

پس از زندانی کردن وی، کتاب‌هایش به دست خواهرش در زیر خاک پنهان گردید و پس از چهار سال که از زندان آزاد شد، آن نوشته‌ها از بین رفته بود. برخی نقل کرده‌اند که خواهرش، کتاب‌های او را در غرفه‌ای گذاشت و کتاب‌ها در اثر جریان آب باران بر روی آنها از بین رفت (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷).

وی در سال‌های آخر عمر خود در صدد تدوین و جمع‌آوری این کتاب‌ها برآمد و آنچه را که از حفظ بود و قبلاً به برخی از شاگردان خود انتقال داده بود، نقل می‌کرد؛ از این رو است که علمای ما به مراسیل او نیز اطمینان دارند (همان).

هم اینک بیش از ۴۷۰۰ روایت در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی در منابع روایی شیعه از وی نقل شده است (معجم رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۱۰۱). کشتی در این زمینه می‌نویسد:
در پی دستگیری ابن ابی عمیر، کتاب‌هایش از سوی مأموران مأمون ضبط شد و سرانجام نیز کتاب‌های روایی‌اش را به وی برنگرداندند (اختیار معرفة الرجال، ص ۶۲۹، ش ۱۱۰۵).
فهرست‌نویسانی چون شیخ طوسی، نجاشی، ابن شهر آشوب و ابن ندیم، آمار کتاب‌های وی را ۹۴ عنوان دانسته‌اند، ولی متأسفانه امروزه هیچ‌یک از آنها در اختیار ما نیست. تعدد موضوعی این آثار، گواه شخصیت، جامعیت و نشاط علمی اوست. نجاشی بیست کتاب از آثار او را چنین معرفی نموده است:
۱. کتاب المغازی؛ ۲. کتاب الکفر و الایمان؛ ۳. کتاب البداء؛ ۴. کتاب الاحتجاج فی الامامة؛ ۵. کتاب الحج؛ ۶. کتاب فضائل الحج؛ ۷. کتاب المتعة؛ ۸. کتاب الاستطاعة؛ ۹. کتاب الملاحم؛ ۱۰. کتاب یوم واللیلة؛ ۱۱. کتاب الصلاة؛ ۱۲. کتاب مناسک الحج؛ ۱۳. کتاب الصیام؛ ۱۴. کتاب اختلاف الحدیث؛ ۱۵. کتاب المعارف؛ ۱۶. کتاب التوحید؛ ۱۷. کتاب النکاح؛ ۱۸. کتاب الطلاق؛ ۱۹. کتاب الرضاع؛ ۲۰. کتاب النوادر (رجال النجاشی، ص ۳۲۷، ش ۸۸۷).

شیخ طوسی نیز شش کتاب وی را نام برده که از آن میان سه کتاب با آمار نجاشی مشترک است. سه کتاب دیگر وی، که طوسی به آنها اشاره کرده است، عبارت‌اند از:

۲۱. کتاب الرد علی اهل القدر و الجبر؛ ۲۲. کتاب الامامة؛ ۲۳. کتاب مسائله عن الرضا علیه السلام (الفهرست، ص ۱۴۲، ش ۶۰۷).

اتحاد یا تعدد ابن ابی عمیر در منابع رجالی و حدیثی

شناخت راویان مشترک این که کدام یک از این راویان مشترک دارای یک هویت هستند، نیازمند بررسی و گردآوری قرائن و شواهد رجالی، حدیثی و تاریخی است. محمد بن ابی عمیر یکی از راویانی است که نام او در کتاب‌های رجالی و حدیثی با عناوین و اوصافی متفاوت ذکر شده است. از این رو، برخی نام محمد بن ابی عمیر را عنوانی برای دو راوی متفاوت قلمداد کرده‌اند؛ بدین معنا که در تاریخ حدیث و اصحاب ائمه دو نفر با عنوان محمد بن ابی عمیر وجود داشته است. طرح این نظریه باعث شده است که این پرسش در بررسی اسنادی که نام ابن ابی عمیر در آنها وجود دارد، پیش بیاید که راوی ذکر شده در سند، کدامیک از این دو فرد است؟ منشأ طرح این نظریه توصیفات مختلفی است که در منابع رجالی درباره محمد بن ابی عمیر آمده است؛ مثلاً نجاشی، وی را معاصر امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام و از اصحاب این دو امام برشمرده و سال وفات وی را ۲۱۷ ق ذکر کرده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۶). بر این اساس، وی معاصر سه امام (امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) بوده و امام جواد علیه السلام را نیز درک کرده است؛ زیرا امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسیده است.

از سوی دیگر، شیخ طوسی محمد بن ابی عمیر را از اصحاب امام صادق علیه السلام قلمداد می‌کند و می‌افزاید: «حسن بن محمد بن سماعه از او روایت نقل کرده است» (رجال الطوسی، ص ۲۹۹، ش ۴۳۸۷). از طرفی شیخ طوسی در میان اصحاب امام کاظم علیه السلام، از محمد بن ابی عمیر نام نبرده، ولی در ذکر اصحاب امام رضا علیه السلام دوباره از فردی به نام محمد بن ابی عمیر نام برده و بر وثاقت تصریح نموده است (همان، ص ۳۶۵، ش ۵۴۱۳) و نیز در کتاب الفهرست خود، می‌نویسد:

محمد بن ابی عمیر سه امام (امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) را درک کرده ولی از امام کاظم علیه السلام روایت گزارش نکرده است (الفهرست، ص ۱۴۲، ش ۶۰۷).

با توجه به سخن هر یک از این دو رجالی بزرگ، در طبقه رجالی ابن ابی عمیر، اختلاف به وجود آمده است و این اختلاف در ادامه باعث طرح این نظریه شده است که احتمالاً محمد بن ابی عمیر نام دو نفر است که اولی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و بدون واسطه از آن حضرت روایت نقل کرده و امام کاظم علیه السلام را نیز درک نموده است و دیگری از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام بوده است.

این نظریه بحث‌هایی را در میان عالمان شیعی مطرح کرده است که بازگشت آنها به دو نظریه اساسی است. اما پیش از ورود به این دو نظریه، نخست باید فایده طرح این موضوع را تبیین نماییم.

ثمره طرح بحث

فایده طرح بحث تعیین طبقه‌ی ابن ابی عمیر این است که اگر بپذیریم در رجال شیخ طوسی، ذیل نام محمد بن ابی عمیر در میان اصحاب امام صادق علیه السلام، تصحیف^۱ صورت پذیرفته و صورت صحیح آن محمد بن ابی عمر یا محمد بن ابی عمره است، یا این که عنوان مذکور، شخص دیگری است، در این صورت وی فردی است که در رجال، توثیق نشده و مجهول است؛ ولی اگر بپذیریم که ابن ابی عمیر و ابن ابی عمر هر دو نام یک نفر است و عنوان ابن ابی عمر حالت تصحیف شده‌ی نام ابن ابی عمیر است، در این صورت محمد بن ابی عمر یا محمد بن ابی عمره مذکور در رجال طوسی هر دو تقه به شمار می‌روند؛ چرا که بر اساس این فرض، این دو عنوان، هر دو به محمد بن ابی عمیر اشاره دارد.

حال اگر به تعدد ابن ابی عمیر معتقد باشیم، در صورت روایت وی از امام صادق علیه السلام، راوی همان کسی است که درباره او توثیقی وجود ندارد و اگر نقل روایت به گونه‌ای است که امکان ارسال وجود داشته باشد، در این صورت روایت مرسل خواهد بود. اما اگر روایت وی از امام رضا علیه السلام یا امام جواد علیه السلام و یا از افراد هم طبقه آن دو امام باشد، در این صورت به طور جزم وی محمد بن زیاد بن عیسی است. همچنین اگر روایت وی از امام کاظم علیه السلام باشد و کسی که از محمد بن ابی عمیر روایت می‌کند، زمان امام کاظم علیه السلام را درک نکرده باشد، (مانند حسن بن محمد بن سماعة)، راوی، محمد بن زیاد خواهد بود و اگر راوی از کسانی باشد که زمان امام کاظم علیه السلام را درک کرده باشد، ابن ابی عمیری که از او روایت

۱. یکی از اقسام حدیث ضعیف، خبر مصحّف (تصحیف شده) است. خبر مصحّف حدیثی است که بخشی از سند یا متن آن به چیزی شبیه یا نزدیک به آن تغییر یافته است. تصحیف گاهی در سند و گاه در متن روی می‌دهد (مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۲۳۷؛ الوجیزة، ص ۵۴۴؛ دانش نامه جهان اسلام، ص ۳۵۳ تا ۳۵۵).

۲. طبقه: در لغت به معنای همسان است؛ (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۰۹). ذیل واژه مذکور؛ و در اصطلاح محدّثان، به گروه و جماعتی گفته می‌شود که تقریباً در یک برهه از زمان می‌زیسته و به هم نزدیک بوده‌اند و احتمالاً از محضر اساتیدی یکسان بهره برده‌اند؛ مانند دو صحابه، مثل ابن مسعود و ابی بن کعب، یا محمد بن مسلم و زرارة بن اعین. شهید ثانی رحمته الله می‌نویسد: «جماعة اشترکوا فی السنّ و لقاء المشایخ» (الرعاية، ص ۱۷۴؛ مقباس الهدایة، ج ۳، ص ۴۸؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۹۰۹)؛ گروهی که در سنّ و داشتن اساتید همسان باشند. مامقانی در تعریف طبقه می‌نویسد: «والطبقة: و هی فی الإصطلاح عبارة عن جماعة اشترکوا فی السنّ و لقاء المشایخ فهم طبقة، ثم بعدهم طبقة أخرى، و هكذا، مأخوذة من طبقة البناء لكونهم فی زمان واحد، أو من المطابقة لموافقة بعضهم بعضاً فی الأخذ من شیخ واحد (مقباس الهدایة، ج ۳، ص ۴۸)؛ و علم الطبقات از جمله علوم حدیثی است که با کمک آن، شناخت طبقات راویان حدیث معلوم می‌شود و موجب از بین رفتن لبس و تدلیس در حدیث است؛ زیرا دو نفر راوی ممکن است به یک اعتبار در یک طبقه و به اعتبار دیگری در دو طبقه باشند.

شده است، بدون شک به ابن ابی عمیر معروف، منصرف خواهد شد؛ هر چند احتمال دارد که بر هر دو منطبق باشد، ولی در این مورد، اشتراک، اثری نخواهد داشت (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۷).

آرای رجالیان در تعیین طبقه ابن ابی عمیر

در تعیین طبقه ابن ابی عمیر میان دانشوران رجال، دو دیدگاه وجود دارد؛ نخست وحدت ابن ابی عمیر و دیگری تعدد ابن ابی عمیر؛ اینک ضمن گزارش دیدگاه‌های مذکور به تحلیل و ارزیابی آن پرداخته می‌شود.

نظریه نخست: وحدت ابن ابی عمیر

گروهی از رجالیان معتقدند ابن ابی عمیر در منابع رجال و حدیث هویت یک نفر است از جمله آن محقق اردبیلی در یاد کرد «محمد بن ابی عمر» می‌گوید:
نام مذکور (محمد بن ابی عمر) اشتباها به وسیله نسخه‌نویسان، این گونه ضبط شده و صحیح آن، «محمد بن ابی عمیر» (مصغر) است و او همان «محمد بن زیاد بن عیسی» است، به قرینه‌ی روایت حسن بن محمد بن سماعه (م ۲۶۳ق) از او و روایت وی از امام صادق علیه السلام در بسیاری از موارد و اینکه او فروشنده سابری و بزّاز بوده است (جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۰). وی سپس در شرح حال محمد بن ابی عمیر چنین می‌نگارد:

صحیح، این است که ابن ابی عمیر، چهار تن از ائمه یعنی امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام را درک کرده است.

درباره این که گفته شده است که وی به دلیل بُعد طبقه بعید است بتواند از امام صادق علیه السلام بدون واسطه نقل روایت کند. در پاسخ می‌گوییم: فاصله شهادت امام صادق علیه السلام (۱۴۸ ق) و وفات ابن ابی عمیر (۲۱۷ ق)، ۶۹ سال است که با افزودن سن بلوغ روایت به آن، عددی حدود هشتاد و اندی به دست می‌آید. در نتیجه وی با داشتن این سن، صلاحیت و قابلیت نقل روایت از امام صادق علیه السلام را داشته است.

مؤیدگفتار ما این است که شیخ طوسی، محمد بن ابی عمیر را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است. البته اگر چه شیخ طوسی در رجال خود، عنوان را «ابن ابی عمر» ذکر کرده است، ولی ما در شرح حال «محمد بن ابی عمر» روشن ساختیم که قرائنی وجود دارد که آن اشتباه است و صحیحش، به صورت مصغر (ابن ابی عمیر) است؛ از جمله اینکه محمد بن نعیم صحاف، - که وصی او بوده - از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده است. وقتی وصی ابن

ابی عمیر - که پس از او زنده بوده است - از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده، پس روایت کردن خود او از امام صادق علیه السلام نیز به طریق اولی امکان خواهد داشت (همان، ج ۲، ص ۵۶).
همچنین مامقانی ضمن آن که نسخه صحیح رجال شیخ طوسی را محمّد بن ابی عمر می‌داند، معتقد است که محمّد بن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام بی واسطه نیز نقل روایت کرده است. مامقانی حدیثی را با سند خود از شیخ طوسی و کلینی از ابن ابی عمیر نقل می‌کند:
عن محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد، عن محمّد بن خالد، عن القاسم بن عروة، عن محمّد بن ابی عمیر، قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن الصلاة يوم الجمعة. (الكافي، ج ۳، ص ۴۲۰، ح ۴). آن گاه در پانوش آن می‌گوید:

ظاهر این روایت دلالت دارد که او امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده است که امری بعید هم نیست؛ زیرا ابن ابی عمیر باید در نهایت، هشتاد و هفت سال عمر کرده باشد تا بتواند امام صادق علیه السلام را بعد از بلوغ خود، ملاقات کند و هشتاد و هفت سال، عمری قابل انکار نیست. بنابر این دلیلی برای ارسال وجود ندارد؛ همان طور که دلیلی برای قلب سند نیست؛ بدین معنا که محمّد بن ابی عمیر، مؤخر و قاسم بن عروة، مقدم باشد تا این که در اصل، چنین بوده باشد: «محمّد بن ابی عمیر، عن القاسم بن عروة، قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام ...» زیرا اولاً چنین امری بابتی را می‌گشاید که مستلزم دست برداشتن بدون قرینه از اصالت عدم سهو و عدم غفلت و دیگر اصول عقلایی است.

به خصوص بعد از آن که سند به گونه‌ای که ذکر گردید، در الکافی که از حیث ضبط، بهترین کتاب روایی است و در نسخ متعدّد آن، که یکی از آنها نسخه‌ای است که بر فاضل مجلسی خوانده شده، آمده است (تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۳ التنبيه الأول).

مامقانی ذیل این روایت کشی که می‌گوید:

... قال: حدّثني بُنان بن محمّد بن عیسی، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن سالم، عن محمّد بن ابی عمیر، قال دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام، فقال: کیف ترکت زرارۃ؟ قال: ترکته لا یصلی العصر... (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۳، ح ۲۲۴)

می‌نویسد:

ابن ابی عمیر دوم، بر اثر اشتباه نسخه‌نویسان اضافه شده است و بعید نیست که تصحیف شده‌ی «محمّد بن مروان» باشد؛ زیرا اگر ابن ابی عمیر در سند یک نفر باشد، لازم می‌آید که او هم راوی هشام بن سالم باشد و هم مروی عنّه او؛ بنابر این بعید نیست که محمّد بن ابی عمیر دوم، تصحیف شده‌ی محمّد بن مروان باشد؛ زیرا او از کسانی است که هشام از او روایت می‌کند (تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۳).

و در تنبیه ششم یادآور می‌شود:

روایت «محمد بن نعیم صحاف» درباره وصی شدن او از طرف محمد بن ابی عمیر، دلالتی بر تعدّد ابن ابی عمیر ندارد؛ زیرا در سند غالباً به امام کاظم علیه السلام، عبد صالح اطلاق می‌شده است - نه آن که بر دیگر ائمه اطلاق نمی‌شده است - و محمد بن نعیم، با این که از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، می‌توانسته تا پایان عمر امام جواد علیه السلام زنده بوده باشد؛ زیرا اگر او پنج سال پس از بلوغ نیز امام صادق علیه السلام را درک کرده باشد، ولادت او در حدود سال ۱۲۸ ق، خواهد بود و اگر تا پایان حیات امام جواد علیه السلام باقی بوده باشد، عمر او ۹۲ سال می‌شده که عمری عجیب و قابل انکار نیست (همان، ج ۲، ص ۶۴).

نظریه دوم: تعدّد ابن ابی عمیر

در مقابل نظریه نخست، برخی محققان و رجالیان همچون آیت الله بروجردی رحمته الله، آیت الله خویی رحمته الله و برخی دیگر، به تعدّد ابن ابی عمیر اعتقاد دارند؛ مرحوم خویی ذیل عنوان محمد بن ابی عمر (ابی عمره و یا ابی عمیر) می‌نویسد:

او فروشنده سابری بوده و بنابر گفته شیخ طوسی در رجال خود، از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و حسن بن محمد بن سماعه از او روایت می‌کرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۵، ش ۱۰۱۱).

محقق کلباسی نیز پس از نقل کلام شیخ طوسی می‌نویسد: «الظاهر ان ابی عمرو، غلط، والصحیح ابی عمیر» (الرسائل الرجالية، ج ۳، ص ۴۶۶).

آیت الله خویی، نظر محقق اردبیلی بر یکی دانستن محمد بن ابی عمر و ابن ابی عمیر را غریب شمرده است و نیز سخن وی را در این که محمد بن ابی عمیر، بدون واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده، غیرممکن دانسته است؛ زیرا محمد بن زیاد بن عیسی در سال ۲۱۷ ق، وفات یافته است و نمی‌توانست امام صادق علیه السلام را درک کند. افزون بر آن، محمد بن ابی عمیر بیاع سابری، در زمان حیات امام کاظم علیه السلام از دنیا رفته است، ولی محمد بن زیاد، مدت چهارده سال از حیات امام جواد علیه السلام را نیز درک نموده است. از این رو، احتمال یکی بودن این دو به کلی منتفی است.

مؤید این نظریه، عبارتی است که کشی در شرح حال زرارة بن اعین آورده است:

یاسناده عن بنان بن محمد بن عیسی، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن سالم، عن محمد بن ابی عمیر، قال دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام ... (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۳، ش ۲۲۴). این عبارت، صراحت دارد که «ابن ابی عمیر» راوی، غیر از «ابن ابی عمیر» مروی عنه است و ضعف سند در این گونه موارد، ضرری ندارد.

آیت‌الله بروجردی، ذیل سند روایت الکافی (الکافی، ج ۳، ص ۴۲۰، ح ۴)، در نقل روایت ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام می‌افزاید:

روایت ابن ابی عمیر که از طبقه ششم به شمار می‌آید و در سال ۲۱۷ق از دنیا رفته، از امام صادق علیه السلام مرسل است؛ مگر این که وی کسی دیگر باشد [وقائل به تعدد ابن ابی عمیر شویم] (الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۴۱).

محقق شوشتری نیز ذیل عنوان محمد بن ابی عمر البزاز بیاع السابری، قائل به تعدد ابن ابی عمیر شده است (قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۵، ش ۶۳۲۲) و نیز مرحوم زنجانی، صاحب الجامع فی الرجال ذیل عنوان محمد بن ابی عمر البزاز بیاع السابری، معتقد است که محمد بن ابی عمیر، متعدّد است (الجامع فی الرجال، ج ۲، ص ۶۶۶).

ادله نظریه تعدد ابن ابی عمیر

پژوهش و یافته‌های موجود در منابع رجال و نیز اسناد روایات نشان می‌دهد که دلایل، قرائن و شواهدی تاریخی چند بر تعدد ابن ابی عمیر دلالت دارد؛ این دلایل عبارت‌اند از:

۱. روایت وصایت ابن ابی عمیر

دلیل نخست بر تعدد عنوان ابن ابی عمیر، روایتی است که کلینی در الکافی نقل کرده است که تصریح دارد محمد بن ابی عمیر بیاع سابری، در زمان حیات امام کاظم علیه السلام از دنیا رفته و به محمد بن نعیم صحاف وصیت نموده است:

حمید بن زیاد، عن الحسن بن محمد بن سماعة، عن محمد بن الحسن بن زیاد العطار، عن محمد بن نعیم الصحاف، قال: مات محمد بن ابی عمیر بیاع السابری و اوصی الیّ و ترک إمراة و لم یترک وارثاً غیرها، فکتبتُ الیّ العبد الصالح علیه السلام فکتب الیّ: أعط المرأة الرّبع و احمل الباقي إلینا (الکافی، ج ۷، ص ۱۲۶، ح ۱).

... محمد بن نعیم صحاف می‌گوید: محمد بن ابی عمیر، فروشنده سابری، وفات یافت و مرا وصی خود قرار داد. تنها وارث او زنش بود. پس من به عبد صالح علیه السلام در این باره نامه‌ای نوشتم و آن حضرت در پاسخ نوشت: یک چهارم ما ترک را به زنش بده و باقی را نزد ما بیاور.

شیخ طوسی نیز در رجالش، محمد بن ابی عمیر (ابی عمر یا عمرة) را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده و او را فروشنده سابری معرفی کرده و گفته است که حسن بن محمد بن سماعة از او روایت می‌کرده است (رجال الطوسی، ص ۲۹۹، ش ۳۸۷).

آیت‌الله خوبی در این باره معتقد است که نسخه صحیح در رجال شیخ طوسی باید محمد بن ابی عمیر بوده باشد؛ زیرا در برخی روایات، از او به همین عنوان یاد شده است. وی در تأیید کلام خود، به روایت محمد بن نعیم صحاف اشاره کرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۵، ش ۱۰۰۱۱).

۲. روایات ابن ابی عمیر از روایانی که قبل از سال ۱۴۸ ق از دنیا رفته‌اند.

دیگر دلیل بر تعدد ابن ابی عمیر، روایاتی هستند که در آنها ابن ابی عمیر از جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل نموده است که همگی در زمان آن حضرت از دنیا رفته‌اند و برخی از آنان مرگشان در طفولیت ابن ابی عمیر معروف اتفاق افتاده است. از این رو، محمد بن ابی عمیری که بدون واسطه از ایشان نقل می‌کند، باید شخص دیگری باشد؛ از جمله این روایات، روایت‌های زیر است:

۱. روایت ابن ابی عمیر از ابان بن تغلب بن رباح، ابوسعید بکری جریری (اختیار معرفة الرجال، ص ۳۳۱، ش ۶۰۳)؛ متوفای ۱۴۱ ق؛ وی امام سجاد علیه السلام را ملاقات نموده و در سال ۱۴۱ ق، وفات کرده است (رجال النجاشی، ص ۱۳، ش ۷؛ الإعلام بوفیات الأعلام، ص ۶۹؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۰۸، ش ۱۳۱).

۲. روایتش از معلی بن خنیس متوفای ۱۳۲ ق (وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۲۳۵، ح ۲۳۵۷۵؛ تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۱۱۱؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۵، ص ۴۴۴، ش ۱۹۸)؛ وی در زمان حیات امام صادق علیه السلام از دنیا رفته است که قصه کشته شدنش در آن عصر، معروف است (اختیار معرفة الرجال، ص ۳۷۷، ش ۷۰۷).

۳. روایتش از بکیر بن أعین (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۹۹، ح ۵۴۵۸)؛ وی از اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده شده (رجال البرقی، ص ۱۴؛ رجال الطوسی، ص ۱۰۹، ش ۱۷) و از امام سجاد علیه السلام روایت نموده است (الفهرست، ص ۷۴، ش ۳۰۲) از کلام کَشی استفاده می‌شود که وی در زمان امام صادق علیه السلام، غلام و نوجوان بوده^۱ و در زمان حیات آن حضرت علیه السلام وفات یافته است (همان، ص ۲۵۵، رقم ۳۱۵؛ رجال الطوسی، ص ۱۵۷، ش ۴۳).

۴. روایتش از عبد المؤمن بن قاسم انصاری (علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۵؛ معانی الأخبار، ص ۱۵۷، ح ۱)؛ وی از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت کرده و در سال ۱۴۷ ق، در سن ۸۱ سالگی، وفات یافته است (رجال النجاشی، ص ۲۴۹، ش ۶۵۵). ۵. روایتش از فضل بن یسار (المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۲۲)؛ وی از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده شده و در زمان حیات ایشان نیز وفات یافته است (رجال الطوسی، ص ۲۶۹، ش ۳۸۶۸؛ رجال النجاشی، ص ۳۰۹، ش ۸۴۶). ۶. روایت او از میسر بن عبد العزیز (الکافی، ج ۲، ص ۳۹۳، ح ۱۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۰، ح ۳۹۷۷)؛ شیخ طوسی و نجاشی،

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۵۴، ش ۳۱۲: (... ثم قال علیه السلام: یا غلام أمین بنی أعین أنت؟ قلت: نعم جعلنی الله فداک...)

وی را از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دانسته‌اند. او در زمان حیات امام صادق علیه السلام وفات نموده است (رجال الطوسی، ص ۳۱۷، ش ۵۹۷؛ رجال النجاشی، ص ۳۴۸، ش ۹۹۷).

۳. تصریح رجالیان

از دلائل تعدد ابن ابی عمیر، گفتار رجالیان است. نجاشی در کتاب رجالش بر معاصر بودن محمد بن ابی عمیر با امام کاظم و امام رضا علیه السلام تصریح نموده و سال وفات وی را ۲۱۷ ق ذکر کرده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷). بنابراین، وی چهارده سال از حیات امام جواد علیه السلام را درک کرده است. شیخ طوسی نیز در رجالش وی را در میان راویان امام صادق علیه السلام بر شمرده و بی‌آنکه درباره وثاقت یا عدم وثاقت او سخن بگوید، می‌نویسد:

محمد بن ابی عمیر بزّاز، بیاع سابری، حسن بن محمد بن سماعه از وی روایت نقل می‌کند (رجال الطوسی، ص ۲۹۹، ش ۴۳۸۷).

محقق محمد صادق بحر العلوم، در تعلیقه خود بر رجال شیخ طوسی ذیل عنوان مذکور در پانوش آن می‌گوید:

نسخه‌های کتاب در ضبط این نام، مختلف است. در برخی نسخه‌های رجال شیخ، محمد بن ابی عمره و در برخی محمد بن ابی عمر و در نسخه‌ای محمد بن ابی عمیر آمده است (همان: ص ۳۰۶، ش ۴۱۴).

آیت‌الله خوبی در شرح حال محمد بن ابی عمر (ابی عمره یا ابی عمیر) می‌نویسد:

عنوان صحیح از نسخه‌ها، محمد بن ابی عمیر است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۵، ش ۱۰۰۱۱).

شیخ طوسی در میان راویان اصحاب امام رضا علیه السلام نیز می‌نویسد:

محمد بن ابی عمیر، کنیه‌اش ابواحمد است و اسم ابن ابی عمیر، زیاد مولی‌آزد و ثقه است (رجال الطوسی، ص ۳۶۵، ش ۵۴۱۳).

بدین ترتیب، وی در میان اصحاب امام کاظم علیه السلام، از محمد بن ابی عمیر، یاد نکرده است.

شیخ طوسی در الفهرست ذیل عنوان ابن ابی عمیر می‌گوید:

او سه تن از امامان را درک کرده است. وی از امام کاظم علیه السلام روایت نکرده؛ ولی از امام رضا علیه السلام و نیز از امام جواد علیه السلام نقل روایت کرده است (الفهرست، ص ۱۴۲، ش ۶۰۷).

بدین ترتیب، نجاشی تصریح نموده است که وی امام کاظم علیه السلام را درک کرده، ولی از ایشان روایتی گزارش نکرده است و نیز او را از اصحاب امام صادق علیه السلام ندانسته است. شیخ طوسی، در الفهرست خود تصریح دارد که وی سه امام بعد از امام صادق علیه السلام را درک نموده است و در رجالش تنها محمد بن ابی

عمیر ابواحمد (از اصحاب امام رضا علیه السلام) را ثقه دانسته است و این، بیانگر آن است که محمد بن ابی عمیری که از اصحاب امام صادق علیه السلام است، شخص دیگری است.

افزون بر این، در روایت محمد بن نعیم صحاف، تصریح شده است که مرگ محمد بن ابی عمیر، در زمان امام کاظم علیه السلام اتفاق افتاده است و صحاف در مکاتبه‌ای، از آن حضرت درباره ماترک او پرسش نموده است (الکافی، ج ۷، ص ۱۲۶، ح ۱) که با توجه به این که تنها وارث وی، همسرش است و وی، او را وصی قرار داده است، با اموال او چه کند؟ در این صورت حسن بن محمد بن سماعه متوفای ۲۶۳ق نمی‌تواند از ابن ابی عمیری که در زمان امام کاظم علیه السلام درگذشته است، نقل روایت کند. در حالی که وفات محمد بن ابی عمیر معروف، بنا به تصریح نجاشی، در سال ۲۱۷ق واقع شده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷).

همچنین از سخن نجاشی فهمیده می‌شود که کتاب‌های ابن ابی عمیر معروف، در زمانی که او در زندان به سر می‌برده است، به دست خواهرش در زیر خاک پنهان گردیده و در نتیجه همگی پوسیده و از بین رفته است (همان). احتمالاً این قضیه در اواخر عمر هارون الرشید، یعنی سال ۱۹۳ق (تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۵۲۵) یا در اواخر حیات امام کاظم علیه السلام، یعنی ۱۸۳ق واقع شده است و این بیانگر آن است که تنها وارث ابن ابی عمیر معروف، همسر او نبوده و وی خواهری نیز داشته است. کشتی نیز ابن ابی عمیر معروف را جزو فقهای اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام شمرده است (اختیار معرفة الرجال: ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰).

۴. بررسی روایات ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام

مهمترین و آخرین دلیل در تعدد ابن ابی عمیر بررسی و پاسخ‌گویی به اسناد روایاتی است که گمان شده ابن ابی عمیر بی واسطه از امام صادق علیه السلام گزارش کرده است. با توجه به این که محمد بن ابی عمیر معروف، در سال ۲۱۷ق از دنیا رفته است، وی نمی‌تواند بدون واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کند؛ زیرا آن حضرت را درک نکرده است. افزون بر آن، محمد بن ابی عمیری که از امام صادق علیه السلام نقل خبر می‌کند، ملقب به بیاع ساری بوده و بنا بر گفته شیخ طوسی در رجالش، وی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و در زمان امام کاظم علیه السلام وفات کرده است؛ زیرا عبدالصالح در خبر الکافی (الکافی، ج ۷، ص ۱۲۶، ح ۱)، از القاب امام کاظم علیه السلام است و محمد بن ابی عمیر معروف، چهارده سال از امامت امام جواد علیه السلام را درک نموده است. بنابراین، راوی در این روایات، شخص دیگری است.

از این رو، بررسی تک‌تک روایات ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام، - که مجموع آن سیزده مورد است - نشان می‌دهد که در تمامی اسانید این روایات، تصحیف و تحریف و یا ارسال و قلب واقع شده

است و در هیچ‌یک از آنها ابن ابی عمیر، بی واسطه از آن حضرت نقل روایت نکرده است. این تعداد روایات در یک نگاه کلی به چند دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: روایاتی که در سند آن تصحیف و تحریف واقع شده است.

این گروه روایاتی است که در سند آنها تغییر و تصحیف صورت گرفته است. این روایات عبارت‌اند از:

۱. کلینی در باب صلاة نوافل می‌نویسد:

... محمد بن سنان عن ابن مسکان عن محمد بن ابی عمیر قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن

أفضل ماجرت... ، الخبر (الكافي، ج ۳، ص ۴۳۴، ح ۴؛ تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۵، ح ۶).

نقد و بررسی

به دلایل زیر، در خبر یاد شده تصحیف یا ارسال صورت گرفته است:

۱. در سند این روایت، محمد بن ابی حمزه به جای محمد بن ابی عمیر واقع شده است (وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۶، ح ۴۴۷۷) و در نسخه تصحیح آیت‌الله شبیری زنجانی،^۱ محمد بن ابی عمر ثبت شده است. همچنین احتمال دارد که محمد بن ابی عمر کوفی یا محمد بن ابی عمره (عمر) صحیح باشد؛ ولی روایتی با این دو عنوان در مصادر روایی یافت نشده است.

۲. شاید در سند الکافی «ابن ابی عمیر» تصحیف شده‌ی ابی بصیر باشد؛ زیرا در بسیاری از اسانید الکافی و غیر آن، روایت محمد بن سنان از ابن مسکان از ابو بصیر نقل شده است (الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۲؛ ص ۴۶۳، ح ۱؛ ص ۴۶۸، ح ۶؛ و...).

۳. این احتمال نیز وجود دارد که واسطه بین ابن ابی عمیر و أبو عبد الله عليه السلام، حذف شده و در سند، ارسال صورت گرفته باشد؛ چنان‌که آیت‌الله خوبی نیز این احتمال را منتفی ندانسته است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۷، ش ۱۰۰۱۱).

۲. شیخ طوسی در التهذیب «باب تطهیر لباس و غیر آن از نجاسات» با سندش می‌گوید:

عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن صالح عن السكوني عن محمد بن أبي عمير

قال: قلت: لأبي عبد الله عليه السلام: أصلى على الشاذكونه و قد أصابها الجنابة قال لا بأس... ،

الخبر (تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۹۳).

نقد و بررسی

به چند دلیل، در در سند خبر مذکور، تصحیف رخ داده است:

۱. معظم له، تعلیقات و ملاحظات ارزشمندی را بر اسانید روایات کتب اربعه نگاشته‌اند. هم‌اینک نسخه‌ای از آن را در اختیار محققان و پژوهشگران موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قرار دارد.

۱. ظاهراً مراد از صالح، «صالح النیلی» است؛ زیرا شیخ در جای دیگر التهذیب، خبر مذکور را با این سند نقل کرده است:

عن العباس بن معروف، عن صفوان، عن صالح النیلی، عن محمد بن ابی عمیر، قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام: أصلى على الشاذكونه... (تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۷۰؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۵۴، ح ۴۱۵۶).

مراد از سکونی نیز اسماعیل بن ابی زیاد، معروف به سکونی است. اگر چنین باشد، روایت سکونی از ابن ابی عمیر در غیر این خبر گزارش نشده است. از سوی دیگر، ظاهراً در سند مذکور، تصحیف و تحریف نیز واقع شده است؛ زیرا صالح نیلی در همه موارد، از ابو عبد الله عليه السلام بدون واسطه نقل روایت کرده است و نیز روایتی از وی از آن حضرت با واسطه نقل شده است. از این رو، شاید صحیح چنین باشد: «أحمد بن محمد، عن صالح و ابن مسکان، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله عليه السلام ...».

در این عبارت، ابن مسکان و ابی بصیر، بدل از سکونی و محمد بن ابی عمیر است؛ زیرا سکونی غالباً از امام صادق عليه السلام بدون واسطه نقل می‌کند و روایات با واسطه او از آن حضرت اندک‌اند. همچنین بعید نیست که به خاطر تشابه حروف در حالت نوشتاری کلمه سکونی و ابن مسکان، توسط نسخه‌نویسان تصحیف صورت گرفته و عنوان سکونی را به جای ابن مسکان ثبت کرده‌اند.

۲. اشکال دیگر سند، روایت احمد بن محمد از صالح نیلی است که ظاهراً مرسل است و شاید صحیح آن چنین باشد: أحمد بن محمد [بن عیسی]، عن العباس بن معروف، عن صفوان؛ زیرا شیخ، خبر مذکور را در جایی دیگر از التهذیب با این سند نقل کرده است.^۱

از سوی دیگر، روایت احمد بن محمد بن عیسی از عباس بن معروف از صفوان، بیش از ده مورد در اسانید روایات وجود دارد (الکافی، ج ۴، ص ۱۲۲، ح ۳؛ ج ۵، ص ۲۲، ح ۲؛ ج ۶، ص ۲۹، ح ۱؛ و... و در برخی از آنها صفوان از ابن مسکان، نقل روایت کرده است (تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۷۱، ح ۳۰؛ ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۲۱).

در تأیید آن باید گفت که صالح نیلی، از اصحاب امام صادق عليه السلام شمرده شده است (رجال الطوسی، ص ۲۲۵، رقم ۳۰۲۸) و در دو مورد دیگر نیز روایت وی از امام صادق عليه السلام بدون واسطه در همین باب (مکان المصلی) نقل شده است (تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۵؛ من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۷۳۱).

۳. شیخ طوسی در التهذیب باب «زیادات از فقه حج» به سند خود چنین نقل می‌کند:

۱. همان، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۷۰؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲؛ (عن العباس بن معروف عن صفوان عن صالح النیلی عن محمد بن ابی عمیر قال: ...).

... صفوان عن حمّاد بن عثمان عن محمّد بن أبي عمير قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن مفرد الحجّ أيعجل طوافه أو يؤخره فقال: ... (تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۷۷، ح ۳۳۳).

نقد و بررسی

ظاهراً عنوان محمّد بن ابی عمیر در سند، زیادی است؛ زیرا خبر مذکور، در دو جای دیگر التّهذیب به نقل از کلینی، بدون عنوان ابن ابی عمیر آمده است:

عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد عن صفوان عن حمّاد بن عثمان قال: سألت... (همان، ج ۵، ص ۴۵، ح ۶۴؛ ص ۱۳۲، ح ۱۰۶).

در این دو نقل، عنوان محمّد بن ابی عمیر واقع نشده است؛ چنان‌که در مصدر اصلی آن (الکافی) نیز عنوان «ابن ابی عمیر» ذکر نشده است (الکافی، ج ۴، ص ۴۵۹، ح ۲).

در موارد دیگر روایت صفوان از حمّاد بن عثمان از امام صادق عليه السلام نیز به واسطه «ابن ابی عمیر» ذکر نشده است (همان، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱؛ تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۱۲؛ ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۲؛ ج ۵، ص ۲۷۷، ح ۶؛ ج ۶، ص ۲۷۵، ح ۱۵۴). بعید نیست که «ابن ابی عمیر» مذکور در سند التّهذیب، تصحیف شده «ابی بصیر» باشد؛ زیرا در موارد فراوانی، روایت حمّاد بن عثمان، از ابوبصیر نقل شده است (الکافی: ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۲؛ ص ۴۴۲، ح ۲۱۲؛ ج ۳، ص ۴۵۶، ح ۲؛ ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۲؛ ص ۴۵۱، ح ۴؛ ج ۷، ص ۴۹، ح ۶؛ ج ۸، ص ۱۸۳، ح ۲۰۷ و...).

۴. شیخ طوسی در التّهذیب در باب «زیادات»، با سندش نقل می‌کند:

... ابن ابی عمیر و جمیل بن درّاج و حمّاد بن عیسی و جماعة ممّن روینا عنه من أصحابنا، عن ابی جعفر و ابی عبد الله عليه السلام أنّهما قالوا: آن رسول الله... (تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۲۲۳، ح ۹۱).

نقد و بررسی

ظاهراً در سند تهذیب، تصحیف واقع شده است و به جای لفظ «عن»، «واو» قرار گرفته است و صحیح آن، «ابن ابی عمیر، عن جمیل بن درّاج» است؛ زیرا ابن ابی عمیر، فراوان از جمیل، نقل روایت کرده است. نیز «واو» در «و جماعة»، تصحیف شده «عن» است؛ یعنی «عن جماعة ممّن رویناه...»؛ زیرا تمام کسانی که در سند ذکر شده‌اند، نمی‌توانند از امام باقر عليه السلام بدون واسطه نقل روایت کنند؛ چنان‌که صفوان و ابن ابی عمیر نمی‌توانند بی‌واسطه از امام صادق عليه السلام نقل روایت کنند (معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۸۵، رقم ۱۰۰۱۸).

۵. کشی در شرح حال «زرارة بن أعین» می‌نویسد:

... قال: حدَّثني بنان بن محمد بن عيسى عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن محمد بن أبي عمير قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقال: كيف تركت زرارة؟ قال:.. (اختيار معرفة الرجال، ص ۲۲۴، رقم ۲۲۴).

نقد و بررسی

در سند مذکور نیز ممکن است ابن ابی عمیر، تصحیف شده‌ی «ابن ابی عمر» باشد. مؤید این سخن آن است که نقل مذکور در نسخه و سائل الشیعة، محمد بن ابی عمر ضبط شده است (وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۵، ح ۴۷۸۹) و شیخ طوسی، محمد بن ابی عمر کوفی را از اصحاب امام صادق عليه السلام شمرده است (رجال الطوسی، ص ۳۱۳، ش ۴۶۵۳).

همچنین ممکن است ابن ابی عمیر تصحیف شده‌ی «ابی عمر الأعجمی» باشد؛ زیرا هشام بن سالم از ابو عمر اعجمی نقل روایت کرده است (الکافی، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۲)؛ چنان که ابن ابی عمیر معروف، از «عبدالله بن جندب» و او از ابو عمر اعجمی از امام صادق عليه السلام نقل روایت کرده است و نیز در نقل صدوق، ابن ابی عمیر به واسطه عبدالله بن جندب از ابو عمر اعجمی روایتی نقل کرده است (الأمالی للصدوق، ص ۳۶۵، مجلس ۵۸، ح ۹). برقی ابو عمر الاعجمی را از راویان اصحاب امام صادق عليه السلام شمرده است (رجال البرقی، ص ۳۷).

احتمال سوم این است که محمد بن ابی عمیر، تصحیف شده‌ی «أبی بصیر» باشد؛ زیرا در مصادر روایی، هشام بن سالم از ابوبصیر، فراوان نقل روایت کرده است (الکافی، ج ۲، ص ۸۵، ح ۳؛ ص ۱۰۳، ح ۳؛ ص ۳۶۰، ح ۳ و ...).

احتمال چهارم این که محمد بن ابی عمیر در سند، زیادی باشد؛ چرا که در رجال کشی، تحریف‌ها و تصحیف‌های این گونه فراوان واقع شده است (رجال النجاشی، ص ۳۷۲، ش ۱۰۱۸)؛ چه این که کمتر نوشته‌ای است که در گذر زمان بر اثر غفلت نسخه‌نویسان یا بی‌اطلاعی آنان از علوم و مصطلحات حدیثی و رجالی و یا به دلایل دیگر، مصون از تصحیف و تحریف بوده باشد.

مؤید این احتمال، سند مذکور در نقل دیگر کشی است که در آن، ابن ابی عمیر از هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام با یک واسطه نقل کرده است؛ یعنی هشام، بدون واسطه از آن حضرت نقل روایت نموده است (اختیار معرفة الرجال: ص ۵۱۲، ش ۹۸۹).

دسته دوم: ارسال در برخی اسانید روایات

این گروه روایاتی است که در آن ابن ابی عمیر از امام صادق عليه السلام بی‌واسطه گزارش کرده است؛ لکن بررسی‌ها نشان می‌دهد که واسطه در بین سند توسط نسخه‌نویسان یا به دلایل دیگر حذف شده است. این دسته روایات عبارت‌اند از:

۱. کلینی در باب ذبح می‌نویسد:

عن علی بن إبراهیم عن أبيه و محمد بن إسماعیل عن فضل بن شاذان عن صفوان و ابن
أبی عمیر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا اشتریت هدیك، فاستقبل به القبلة و انحره أو
اذبحه و قل... ، الخبر (الكافی، ج ۴، ص ۴۹۸، ح ۶؛ تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۲۲۱، ح ۸۵؛
وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۲، ح ۱۸۸۴۹).

نقد و بررسی

خبر مذکور به دلائل زیر مرسل است:

۱. ظاهراً عنوان «معاویة بن عمّار» از میان این سند حذف شده است؛ زیرا این خبر در گزارش شیخ
صدوق، با واسطه «معاویة بن عمّار» ذکر شده است (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۳۰۸۴).
عالمه مجلسی معتقد است که در خبر الکافی، عنوان «معاویة بن عمّار» به قرینه روایات قبل و بعد از آن
که در آنها، ابن ابی عمیر از معاویة بن عمّار نقل نموده، حذف شده است (مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۱۰۹،
ح ۵۹۱۵).

۲. در سند مذکور، فضل بن شاذان از صفوان و ابن ابی عمیر (با واو عطف) نقل روایت کرده است.
اگر این سند صحیح باشد، «قال» باید مثنی و به صورت «قالا» می‌آید؛ زیرا روایت‌کننده از امام
صادق عليه السلام، دو نفر است. بنابراین، ضرورت سقط در سند، تقویت می‌شود.

۳. طریق شیخ صدوق به معاویة بن عمّار، در مشیخة من لایحضره الفقیه، با واسطه صفوان و ابن
ابی عمیر (با واو عطف) از وی ذکر شده است (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۴). ۴. شبیه سند
مذکور، در الکافی فراوان نقل شده است و در آنها ابن ابی عمیر، با یک یا دو واسطه (الکافی، ج ۱،
ص ۳۱، ح ۸؛ ص ۱۰۰، ح ۲؛ ص ۱۶۲، ح ۱؛ ص ۱۰۷، ح ۴؛ ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۸؛ ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۴؛
ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱) از امام صادق عليه السلام گزارش کرده است و در مواردی با یک واسطه نقل شده و غالباً
آن واسطه، معاویة بن عمار است.

۲. شیخ طوسی در باب اذان و اقامه التّهذیب، با سندش نقل می‌کند:

عن الحسين بن سعید عن فضاله عن حسین بن عثمان عن ابن مسکان عن ابن ابی عمیر
قال: قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يتكلم فی الإقامة، قال: ... ، الخبر (تهذیب
الأحكام، ج ۲، ص ۵۵، ح ۲۹؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۷).

نقد و بررسی

در پاسخ باید گفت که در سند مذکور دو احتمال وجود دارد:

الف) روایت ابن ابی عمیر از ابو عبدالله علیه السلام، مرسل است و در سند، سقط واقع شده است. آیت الله بروجردی ذیل این خبر می نویسد:

روایت ابن ابی عمیر معروف، بی واسطه از ابو عبدالله علیه السلام، مرسل است و روایات ابن مسکان که از طبقه پنجم به شمار می آید، از ابن ابی عمیر، صحیح نیست؛ مگر قائل به تعدد ابن ابی عمیر شویم (الموسوعة الرجالية، ج ۲، ص ۱۴۱). آیت الله خویی و محقق شوشتری نیز به تعدد ابن ابی عمیر معتقدند (معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۷۵، ش ۱۰۰۱۱؛ قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۵، ش ۶۳۲۲).
ب) ابن ابی عمیر در سند مذکور، تصحیف شده «ابی بصیر» است؛ زیرا روایت «فضالة از حسین بن عثمان از ابن مسکان از ابوبصیر»، در شش جای دیگر الکافی و التهذیب نیز آمده است (الکافی، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۹؛ ص ۲۶، ح ۴؛ ص ۱۵، ح ۴۹؛ ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۴۸؛ ص ۳۴۸، ح ۱). همچنین روایت ابن مسکان از ابن ابی عمیر ثابت نشده است؛ مگر در یک مورد که در آن نیز تردید شده است.

۳. شیخ طوسی در التهذیب، با سندش نقل می کند:

عن أبي طالب عبدالله بن الصلت عن ابن أبي عمير قال: كان أبو عبدالله علیه السلام يقرأ في الركعتين بعد العتمة: الواقعة...، الخبر (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۱۶، ح ۲۰۱).

نقد و بررسی

عبدالله بن الصلت، در سه مورد دیگر از ابن ابی عمیر معروف، نقل روایت کرده و در همه آنها، ابن ابی عمیر با یک یا دو واسطه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، (همان، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۱۰۳؛ ص ۴۴۰، ح ۶۸؛ ج ۳، ص ۳۲۳، ح ۳۴) در حالی که روایت بی واسطه وی از ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام، تنها در این خبر گزارش شده است. بنابراین، شاید روایت ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام، نقل مستقیم نبوده، بلکه به نحو حکایت نقل کرده باشد؛ چنان که در الکافی در «کتاب زکات»، مشابه این تعبیر، چنین آمده است:
... ابن ابی عمیر قال: كان على علیه السلام لا يأخذ... (الکافی، ج ۳، ص ۵۳۱، ح ۷).

شیخ صدوق نیز در کتاب التوحید در بیان نقلی از ابن ابی عمیر، چنین نگاشته است:

... عن ابن أبي عمير قال: رأى سفیان الثوری أبا الحسن موسى بن جعفر علیه السلام وهو غلام يصلی والناس يمرون بين يديه فقال له ان الناس يمرون بك وهم في الطواف... (التوحید، ص ۱۷۹، ح ۴).

ظاهر هر دو نقل و نقل هایی از ابن قبیل، روایت بی واسطه است. لازمه نقل دوم، این است که ابن ابی عمیر، از مَعْمَر بن بوده که طفولیت امام کاظم علیه السلام را درک کرده باشد (یعنی قبل از سال ۱۲۸ ق به

دنیا آمده باشد)، درحالی که این احتمال قابل اثبات نیست و ابن ابی عمیر در این گزارش نقل حکایت کرده است، نه نقل بدون واسطه.

۴. شیخ طوسی در التهذیب در باب «دیه عین الأعور»، با سندش می‌نویسد:

عن ابن ابی عمیر و صفوان قال: قال أبو عبد الله عليه السلام أبي الله ان يظن بالمؤمن ألا خيراً و كسرک عظامه (تهذیب الأحكام، ج ۱۰، ص ۲۷۲، ح ۱۲).

نقد و بررسی

واسطه در این خبر نیز «جمیل بن دزاج» بوده که حذف شده است؛ زیرا در نقل نسخه وسائل الشیعة چنین آمده است:

... ابن ابی عمیر عن جمیل عن صفوان قال: قال أبو عبد الله عليه السلام . . (وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۲۹، ح ۳۵۷۰۷).

افزون بر این، ابن ابی عمیر، فراوان از جمیل بن دزاج نقل حدیث کرده است (الکافی، ج ۱، ص ۳۱، ح ۸؛ ص ۴۷، ح ۳؛ ص ۱۶۲، ح ۱؛ ص ۴۴۶، ح ۲۲؛ ص ۵۴۴ ح ۸ و...). البتّه صفوان نیز از جمیل بن دزاج، فراوان نقل روایت کرده است (تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۸۲، ح ۸۱؛ ص ۸۷، ح ۹۸؛ ج ۷، ص ۹۴، ح ۷؛ ص ۱۲۵، ح ۱۸؛ ص ۳۰۸، ح ۳۸)؛ چنان‌که ابن ابی عمیر و صفوان یا بالعکس، با واو عطف نیز در اسانید روایات واقع شده‌اند. و خبر مذکور در نقل الاستبصار چنین آمده است:

... ابن ابی عمیر و صفوان عن رجالهم قال: . . (الاستبصار، ج ۴، ص ۲۹۷، ح ۳).

آیت‌الله خوبی در تصحیح خبر شیخ می‌نویسد:

«صحیح آن، ابن ابی عمیر و صفوان عن رجالهم قال: قال: ... است» (معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۱۰۹، ش ۵۹۱۵).

۵. شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه در باب «ثواب صلاه رکعتین بمائه و عشرين مرّة»

می‌نویسد:

و فی روایة ابن ابی عمیر عن الصادق عليه السلام قال: من صلی رکعتین... (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۱۵۵۹).

نقد و بررسی

این روایت که محمد بن ابی عمیر، بی‌واسطه از امام صادق عليه السلام نقل کرده، مرسل است. ظاهراً صدوق به نقل از کتاب یا صاحب کتاب، اعتماد نموده و واسطه را حذف کرده است.

آیت الله خوبی به سه مورد از نقل صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه اشاره می کند و می نویسد که در هر سه مورد، روایت ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام مرسل است:

و ان كان ظاهر هذه الموارد الثلاث ان محمد بن أبي عمير يروي عن الصادق عليه السلام إلا ان هذه الروايات مرسله، فإن الأخير رواها محمد بن يعقوب في الكافي الجزء ٧ كتاب الديات ٤ باب ان الرجل يقطع رأس ميت ٤١ حديث ٢... إلا ان الكافي و التهذيب محمد بن ابی عمیر، عن جمیل، عن غیر واحد من أصحابنا عن أبی عبد الله عليه السلام . . (معجم رجال الحديث: ج ١٤، ص ٢٩٣، ش ١٠٠١٨).

٦. سید بن طاووس در فلاح السائل به نقل از صدوق می گوید:

عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قال لا إله إلا الله مخلصاً دخل الجنة... (فلاح السائل، ص ١١٨).

نقد و بررسی

در این خبر نیز، واسطه حذف شده است؛ زیرا خبر مذکور در نقل ثواب الأعمال چنین آمده است:
... محمد بن ابی عمیر، عن محمد بن حمران، عن أبی عبد الله عليه السلام ^١.

دسته سوم: وجود قلب و جابجایی در برخی روایات

این گروه روایاتی است که درسند آنها قلب ^٢ و جابجایی نام راوی به جای نام پدر یا بالعکس واقع شده است؛ این دسته روایات عبارت اند از:

١. کلینی در باب وقت نماز جمعه می نویسد:

محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن محمد بن خالد عن القاسم بن عروه عن محمد بن أبي عمير قال: سألته أبا عبد الله عليه السلام عن الصلاة يوم الجمعة فقال: نزل بها جبرئيل مضيقه إذا زالت الشمس فصلها قال: قلت: إذا زالت الشمس... الخبر (الكافي، ج ٣، ص ٤٢٠، ح ٤).

١. ثواب الأعمال: باب «ثواب من قال لا إله إلا الله مخلصاً»: (التوحيد، ص ٢٧، ح ٢٤؛ معاني الأخبار: ص ٢٧٠، ح ١؛ صفات الشيعة، ص ٥، ح ٦).

٢. قلب در لغت به معنای وارونه و جابجا شده است (العین، ج ٥، ص ١٧٢)؛ در اصطلاح حدیث شناسان چنین تعریف شده است: حدیثی را که بخشی از سند یا متنش با بخش دیگری از خود آن، و نه خارج آن، جابجا شده باشد، حدیث مقلوب می نامند. اگر این قلب در سند حدیث واقع شود، قلب سندی گویند: این نوع قلب در جایی است که اسم یک راوی با اسم راوی دیگری از همان سند یا اسم پدرش یا غیر آن جابجا شده باشد؛ مانند اینکه احمد بن محمد، به محمد بن احمد قلب شده باشد (مقیاس الهدایة، ج ١، ص ٣٩١).

نقد و بررسی

۱. بررسی روایات قاسم بن عروه از ابن ابی عمیر در اسانید روایات، بیانگر آن است که در سند قلب و جابجایی صورت گرفته باشد؛ زیرا در سایر اسانید، خلاف این ترتیب است؛ یعنی همه‌جا ابن ابی عمیر از قاسم بن عروه نقل روایت نموده است (همان، ج ۲، ص ۲۳۲، ج ۶؛ ج ۴، ص ۱۰۰، ج ۲؛ ج ۵، ص ۴۷۰، ج ۱۶؛ ج ۷، ص ۲۸۴، ج ۹؛ ج ۷، ص ۳۹۰، ج ۳). روایت قاسم بن عروه از ابن ابی عمیر، تنها در این مورد آمده است.

۲. بعید نیست که «محمد بن ابی عمیر» در سند مذکور، تصحیف «ابن بکیر» بوده باشد، به قرینه ذیل روایت آن، که تصریح شده به «قال القاسم (بن عروه) و کان ابن بکیر یصلی و...» چنان‌که آیت‌الله خوبی نیز این وجه را محتمل دانسته است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۲، ش ۹۵۱۹). مؤید آن کثرت روایات قاسم بن عروه از ابن بکیر است (الکافی، ج ۲، ص ۲۷۲، ج ۲؛ ج ۳، ص ۳۱۸، ج ۶؛ ج ۵، ص ۴۷۷، ج ۳ و...) و این، بیانگر تعدد یا سقط واسطه است.

۲. سید بن طاووس در فرج المهموم به نقل از کتاب التجمل می‌نویسد:

محمد بن اذینه عن ابن ابی عمیر قال: كنت أنظر فی النجوم وأعرف الطالع فیدخلنی من ذلک شیء، فشکوت إلى أبی فقال: ... (فرج المهموم، ص ۱۲۴).

وی ذیل خبر می‌افزاید:

ولو لم یکن فی الشیعة عارفاً بالنجوم إلا محمد بن ابی عمیر، لکان حجة فی صحتها وایاحتها؛ لأنه من خواص الأئمة هوالحجج فی مذاهبها وروایاتها.

نقد و بررسی

از ظاهر عبارت فهمیده می‌شود که ابن ابی عمیر در سند مذکور، شخص معروف است و خبر مذکور در نقل برقی در المحاسن، چنین آمده است:

عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن ابن اذینه عن سفیان بن عمر قال: كنت أنظر فی النجوم... (المحاسن، ج ۲، ص ۸۶، ج ۴۷).

براساس این نقل، عارف به نجوم نمی‌تواند ابن ابی عمیر باشد؛ بلکه سفیان بن عمر مجهول الحال است. از سوی دیگر، ابن اذینه از مشایخ و استادان ابن ابی عمیر شمرده شده است و وی فراوان از او نقل روایت کرده است. بنابراین، در سند مذکور، یکی از دو احتمال داده می‌شود:

الف) در سند، قلب واقع شده و صحیح آن چنین است: «محمد بن ابی عمیر، عن ابن

اذینه...».

ب) در عنوان ابن اُبی عمیر تصحیف واقع شده است؛ یعنی ابن اُبی عمر یا سفیان بن عمر (بنا بر نقل برقی)، بدل از ابن اُبی عمیر قرار گرفته است.

جمع‌بندی

از مجموع مطالب یاد شده، می‌توان نتیجه گرفت که ابن اُبی عمیر معروف، از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام به شمار می‌آید و ابن اُبی عمیری که از اصحاب امام صادق علیه‌السلام در رجال شیخ آمده، یا تصحیف شده‌ی، «ابن اُبی عمر یا ابن اُبی عمره» است، و یا شخص دیگری است که شناخته شده نیست و در زمان حیات امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفته است. بنابراین، در اسناد تمام اخباری که «ابن اُبی عمیر»، بدون واسطه از امام صادق علیه‌السلام گزارش کرده است، واسطه حذف شده و این اخبار مرسل است و یا تصحیف و قلب در آن‌ها واقع شده است. روایت ابن اُبی عمیر معروف از امام صادق علیه‌السلام نیز همواره با یک یا دو واسطه گزارش شده است. بنابراین، ابن اُبی عمیر معروف، از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به شمار نمی‌آید.

کتابنامه

- الإختصاص: شيخ مفيد، (محمد بن نعمان) ۱ ج، ط ۴، قم، نشر اسلامي، س ۱۴۱۴ ق.
- اختيار معرفة الرجال: معروف به رجال الكشي، تحقيق: محمد تقى فاضل ميبدي و موسويان، ۱ ج، ط ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، س ۱۳۸۲ هـ.
- الاستبصار، شيخ طوسي: (محمد بن حسن)، ۴ ج، ط ۳، تهران، دار الكتب الاسلاميه، س ۱۳۹۰ هـ. ق.
- أعلام بالوفيات الإعلام: خير الدين الزركلي، ط ۵، بيروت - لبنان، ناشر، دار العلم للملايين، س ۱۹۸۰ م.
- الأمل: شيخ صدوق (محمد بن علي)، ط ۴، انتشارات كتابخانه‌ی اسلاميه، س ۱۳۶۳ ش.
- تاريخ الطبري: محمد بن جرير طبري، تحقيق: گروهی، بيروت، لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
- التوحيد: شيخ صدوق، (محمد بن علي)، ۱ ج، ط ۱، قم، نشر اسلامي، س ۱۳۹۸ هـ. ق.
- تهذيب الأحكام: محمد بن حسن طوسي، ۱۰ ج، ط ۴، تهران، دار الكتب الاسلاميه، س ۱۳۶۵ ش.
- تنقيح المقال: عبدالله مامقاني، ۲۹ ج، ط ۱، تحقيق: محی الدين مامقاني، قم، مؤسسة آل البيت، س ۱۴۲۶ هـ. ق.
- تنقيح المقال: عبدالله مامقاني، ط سنگی.
- ثواب الأعمال: شيخ صدوق (محمد بن علي)، ۱ ج، قم، انتشارات شريف رضی، س ۱۳۶۴ ش.
- جامع الرواة: محمد علي اردبيلي، ۲ ج، ط ۱، تصحيح: ابو الحسن شعراني، قم، مكتبة آيت الله مرعشي، س ۱۴۰۳ هـ. ق.
- الجامع في الرجال: موسى زنجاني، ۱ ج، ط ۱، قم، چاپخانه پيروز، س ۱۳۹۴ هـ. ق.
- خاتمه مستدرک الوسائل: ميرزا حسين نوري، تحقيق: مؤسسة آل البيت، ط ۱، ۶ ج، آل البيت، قم، س ۱۴۱۵ هـ. ق.
- رجال البرقي: أحمد بن محمد بن خالد برقي، تحقيق: محمد جواد قيومي، ۱ ج، ط ۱، قم، نشر اسلامي، س ۴۲۰ هـ. ق.
- رجال السيد بحر العلوم: سيد مهدي بحر العلوم، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، ۴ ج، ط ۱، نجف اشرف: مطبعة الآداب، س ۱۳۸۵ هـ. ق.
- رجال الطوسي: (محمد بن حسن) تحقيق: محمد جواد قيومي، ۱ ج، ط ۱، قم، نشر اسلامي، س ۱۴۲۰ هـ. ق.
- رجال الطوسي: (محمد بن حسن) تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، ۱ ج، ط ۱، بی تا.

- رجال النجاشی، ابو العباس (احمد بن علی)، تحقیق: موسی زنجانی، ۱ ج، ط ۶، نشر اسلامی، س ۱۴۱۸ هـ. ق.
- سیر اعلام النبلاء: ذهبی، تحقیق: محمد نعیم العرفسوسی، مامون صاغرچی، ط ۹، بیروت - لبنان، ناشر، مؤسسة الرسالة، س ۱۴۱۳ ق.
- علل الشرايع: شیخ صدوق (محمد بن علی)، قم، انتشارات مكتبة الداوری.
- فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم: علی بن موسی حلی، (سید بن طاووس)، ۱ ج، ط ۱، قم، دار الذخائر، بی تا.
- فضائل الشيعة: شیخ صدوق (محمد بن علی)، ۱ ج، ط ۱، تهران، انتشارات أعلمی، بی تا.
- فلاح السائل: ابن طاووس، ۱ ج، ط ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، بی تا.
- الفهرست: شیخ طوسی (محمد بن حسن)، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف مكتبة المرتضویه، بی تا.
- قاموس الرجال: محمدتقی شوشتری، ۱۲ ج، ط ۱، قم، نشر اسلامی، س ۱۴۲۲ هـ. ق.
- الكافي: كلینی (محمد بن یعقوب)، ۸ ج، ط ۴، تهران، دار الكتب الاسلاميه، س ۱۳۶۵ هـ. ش.
- الكامل فی التاريخ: ابن اثیر، بیروت، لبنان، ناشر، دارصادر للطباعة والنشر.
- لغت نامه دهخدا: علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسة انتشارات و چاپ دانشگاه تهران،
- المحاسن: أحمد بن محمد برقی، تحقیق: سید جلال الدین حسینی، ط ۱، تهران، دار الكتب الاسلاميه، س ۱۳۷۰ هـ. ش.
- مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران، دار الكتب الاسلاميه، س ۱۳۷۴ هـ. ش.
- مستدرک الوسائل الشیعة: (خاتمة)، میرزا حسین نوری، ۱۸ ج، ط ۱، قم، آل البيت، س ۱۴۰۸ هـ. ق.
- مستدرک الوسائل الشیعة: میرزا حسین نوری، ۳ ج، قم، اسماعیلیان، چاپ سنگی، س ۱۳۶۳ هـ. ق.
- مشایخ الثقات: میرزا غلامرضا عرفانیان، ۱ ج، ط ۱، قم، مطبعة العلمیه، س ۱۴۰۹ هـ. ق.
- معانی الأخبار: شیخ صدوق، (محمد بن علی)، قم، نشر اسلامی، س ۱۳۶۱ هـ. ق.
- معجم رجال الحدیث: ابو القاسم خوبی، ۲۳ ج، ط ۳، قم، مدينة العلم، س ۱۴۱۰ هـ. ق.
- من لا یحضره الفقیه: شیخ صدوق (محمد بن علی)، ۴ ج، ط ۳، قم، نشر اسلامی، س ۱۴۱۳ هـ. ق.
- الموسوعة الرجالیة: سید حسین طباطبائی بروجردی، ۷ ج، ط ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، س ۱۴۱۳ هـ. ق.

- الوافی بالوفیات: صفدی، تحقیق: احمد الأرنؤوط وترکی مصطفی، بیروت، لبنان، ناشر، دار الإحیاء التراث، س ۱۴۲۰ ق.
- وسائل الشیعة: شیخ حر عاملی، تحقیق: ربانی شیرازی، محمد رازی، ابو الحسن شعرانی، ط ۱، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، س ۱۴۰۳ هـ. ق.
- وسائل الشیعة: محمد بن حسن، معروف به شیخ حر عاملی، تحقیق و نشر: آل البيت، ۳۰ ج، ط ۱، قم، س ۱۴۰۹ هـ. ق.